

تعامل حقوق رقابت با سیاست زیست محیطی؛

مطالعه حقوق اتحادیه اروپا و نقدی بر حقوق ایران

دکتر رضا معبودی نیشابوری^۱،

سیما طوفانی اصل^۲

چکیده

در بسیاری از نظام‌های حقوق رقابت، سیاست‌های زیست محیطی، نقش تعیین کننده‌ای در شکل دادن به حقوق رقابت داشته‌اند. بنگاه‌های اقتصادی در جهت رعایت اصول زیست محیطی، گاهی قراردادهایی منعقد می‌کنند که از یک طرف برای محیط زیست مفید تلقی می‌شوند و از سوی دیگر ممکن است حساسیت حقوق رقابت را برانگیزند. به همین دلیل این گونه قراردادهای از منظر قواعد حقوق رقابت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مساله مورد بحث این است که حقوق رقابت چگونه به قراردادهای زیست محیطی نگاه می‌کند. در جهت تعامل مقررات رقابت با سیاست‌های زیست محیطی، حقوق اتحادیه اروپا به عنوان یکی از نظام‌های پیشتاز حقوق رقابت، آن دسته از قراردادهایی که اهداف زیست محیطی را همراه با رعایت قواعد حقوق رقابت تعقیب می‌کنند، مورد تشویق قرار داده است زیرا این قراردادهای می‌توانند سیاست‌های تنظیمی اتحادیه اروپا در زمینه‌ی زیست محیط را تکمیل نمایند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که چنانچه منافع زیست محیطی حاصل از قراردادهای بنگاه‌های اقتصادی، بیش از آثار ضد رقابتی آنها باشد، توافقات و قراردادهای مزبور، مشمول ممنوعیت‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا قرار نمی‌گیرند. مقاله پیش رو، با نقدی بر موضع مقررات حقوق رقابت ایران و ارائه برخی پیشنهادها اصلاحی، خاتمه می‌یابد.

کلمات کلیدی: حقوق رقابت، سیاست زیست محیطی، توافقات ضد رقابتی، معافیت‌های کلی، حقوق اتحادیه اروپا.

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد [نویسنده مسئول] (پست الکترونیکی: maboudi@um.ac.ir).

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد (پست الکترونیکی: simatoufani@yahoo.com).

۱. مقدمه

حقوق رقابت، رشته‌ای از علم حقوق است که با تنظیم قواعد، مقررات و سیاست‌های لازم، تلاش می‌کند تا مانع انحصارگری در بازار شده، از محدودیت رقابت در بازار به نحوی که مضر به حال جامعه باشد جلوگیری یا با آن مقابله نماید. (معبودی، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

در این راستا، اتحادیه اروپا که یکی از شناخته‌شده‌ترین نظام‌های حقوق رقابت در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شود، در معاهده‌ی مؤسس این اتحادیه (از این پس: معاهده‌ی مؤسس)، بخشی را به حقوق رقابت اختصاص داده است تا بتواند برای جامعه اروپایی، یک بازار مشترک قوی و رقابتی تدارک دیده و قواعد آن را تنظیم کند. در کنار اصول حقوقی مربوط به رقابت، تدوین‌کنندگان معاهده‌ی مؤسس، غافل از توجه به سایر سیاست‌ها و موضوعات نظیر مسائل زیست‌محیطی نبوده‌اند.

چهارچوب، اصول و اهداف زیست‌محیطی اتحادیه اروپا به طور مشخص و واضحی در معاهده‌ی مؤسس اتحادیه اروپا تعیین شده‌اند. به عبارت دیگر بخش بیستم معاهده‌ی مؤسس، در طی چندین ماده به موضوع محیط‌زیست اختصاص یافته است. به همین لحاظ و به جهت توجه جدی که در این نظام حقوقی به تعامل بین حقوق رقابت و سیاست‌های زیست‌محیطی مبذول شده است، نظام حقوقی مزبور، موضوع مطالعه‌ی پژوهش حاضر، واقع گردیده است.

بند ۱ ماده ۱۹۱ معاهده‌ی مؤسس، اهداف سیاست زیست‌محیطی اتحادیه را بیان می‌کند که از جمله عبارتند از آماده سازی، حمایت و تقویت کیفی محیط زیست، حمایت از سلامت بشر، استفاده منطقی و محتاطانه از منابع طبیعی و بالاخره ارتقاء معیارها در سطح بین‌المللی برای ارتباط با مشکلات زیست‌محیطی منطقه‌ای و حیات وحش، به خصوص مبارزه با تغییر الگوی آب و هوا. در ادامه نیز سایر مواد مرتبط به این بخش اصول زیست‌محیطی دیگری نظیر اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه را مقرر نموده و همچنین این قاعده را بیان می‌دارند که "آلوده کننده باید پرداخت کند"^۳. در اعمال این اصل، سیاست زیست‌محیطی اتحادیه اروپا به نحو فزاینده‌ای تلاش می‌کند که تضمین نماید که تولیدکنندگان، هزینه‌های جمع‌آوری و بازیافت کالاها را - پس از این که تبدیل به زباله و ضایعات شدند - متحمل شوند. این نکته، خمیرمایه‌ی مفهوم «مسئولیت تولیدکننده»^۴ را در مسائل زیست‌محیطی تشکیل می‌دهد (Rose, 2000: 320).

اهمیت رابطه‌ی بین حقوق رقابت و سیاست زیست‌محیطی در اتحادیه اروپا از این جهت است که اتحادیه اروپا تلاش می‌کند که «راه حل‌های مبتنی بر سیستم بازار»^۵ را جهت تعقیب سیاست‌های زیست‌محیطی خود، پیگیری نماید؛ به این معنا که امروزه یک توجه فزاینده به این نکته معطوف شده است که «نظام بازار»، قابلیت این امر را دارد که به این سمت سوق داده شود که پیشرفت‌های زیست‌محیطی را به بار آورد (O'Gorman, 2005: 93-94).

با توجه به آنچه ذکر شد، مقاله‌ی پیش‌رو، ابتدا به بررسی توافقات محدودکننده‌ی رقابت که دارای آثار مثبت زیست‌محیطی می‌باشند پرداخته، سپس شرایط معافیت این قراردادها را از ممنوعیت‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا مورد تحلیل قرار داده و در نهایت به ارائه نقدها و پیشنهادهایی برای حقوق رقابت ایران می‌پردازد.

۲. توافقات ضد رقابتی زیست‌محیطی

در میان سیاست‌های زیست‌محیطی، راه‌حل‌های مبتنی بر بازار، راه‌حلهایی هستند که خود بنگاه‌ها در جهت رعایت اصول زیست‌محیطی در پیش می‌گیرند. به همین جهت، این نکته در کانون توجه حقوق رقابت اتحادیه اروپا قرار گرفته است که چنانچه قراردادها و توافقاتی بین بنگاه‌های مختلف منعقد شوند که همزمان دارای آثار مثبت زیست‌محیطی و آثار منفی ضد رقابتی باشند،

^۳ "Polluter should pay".

^۴ Producer responsibility.

^۵ Market-based solutions.

چنانچه منافع زیست محیطی حاصل از این قراردادها بیش از آثار ضد رقابتی آنها باشد، این توافقات و قراردادها نباید مشمول ممنوعیت های حقوق رقابت قرار گیرند. به همین لحاظ است که برخی از نویسندگان با بیان استدلال ها و استناداتی، اظهار داشته اند که از لحاظ هنجاری، حفاظت از زیست محیط، بالاتر از حقوق رقابت و مقدم بر آن است و لذا می تواند به عنوان یک برگ برنده، حتی جهت توجیه برخی توافقات ضد رقابتی مورد استفاده قرار گیرد، به شرط این که توافقات ضد رقابتی مزبور، جهت حفاظت از زیست محیط، ضروری باشد (Monti, 2007: 93-94).

بر اساس بخش هفتم اصول راهنمای توافقات افقی کمیسیون اروپا، قراردادهای زیست محیطی به آن دسته از قراردادهایی گفته می شوند که طرفین آنها، به موجب قراردادهای مزبور، متعهد به کاهش آلودگی های زیست محیطی می گردند. بنابر این تعریف، هدف و معیار چنین قراردادهایی، باید مستقیماً کاهش آلودگی ها یا ضایعات باشد.

از این منظر، قراردادهایی که به عنوان مثال، باعث کاهش حجم ضایعات پلاستیکی و کاهش خطرات زیست محیطی یا پایین آمدن میزان مصرف انرژی و تولید فضولات شده اند، قراردادهای زیست محیطی انگاشته شده، از ممنوعیت های قواعد حقوق رقابت مذکور در بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده ی مؤسس اتحادیه اروپا مستثنی گردیده و جزء استثنائات مذکور در بند ۳ ماده ۱۰۱ معاهده ی مزبور، به حساب آمده اند.

توضیح آن که، بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده ی مزبور، توافقات، تصمیمات و اقداماتی را که باعث اختلال در جریان رقابت در اتحادیه می گردد، ممنوع و باطل اعلام کرده است، اما در عین حال، بند ۳ همین ماده، بیان داشته است چنانچه توافقات و اقدامات مزبور، نفع منصفانه ای برای مصرف کنندگان نیز در بر داشته باشد، از ممنوعیت های فوق الذکر، معاف هستند. در حقیقت، با توجه به این که کاهش آلودگی زیست محیطی و کاهش مصرف انرژی، منفعی برای مصرف کنندگان نیز در بر دارد، کمیسیون اروپا، قراردادهایی را که باعث کاهش های مزبور شوند از ممنوعیت های حقوق رقابت در اتحادیه اروپا، معاف نموده است (Monti, 2007: 91-92).

به عنوان مثال، کمیسیون اروپا در یکی از آراء خود، قراردادی را که فیما بین گروهی از تولید کنندگان و وارد کنندگان ماشین های شوینده منعقد شده بود که مجموعاً بیش از ۹۵ درصد از معاملات اروپا (در زمینه ی ماشین های شوینده) را در اختیار داشتند، تایید کرد. هدف قرارداد مزبور، از جمله، این بود که تولید کنندگان و وارد کنندگان، تولید و واردات ماشین های شوینده ای را که از نظر مصرف انرژی، کارایی کمتری داشتند، متوقف کنند؛ این نوع ماشین های پرمصرف، حدود ۱۰ تا ۱۱ درصد از کل معاملات ماشین های شوینده در اتحادیه اروپا را شامل می شد و قرارداد مزبور، ماشین های پیش گفته را از جریان رقابت خارج می کرد. طبیعتاً این قرارداد، می توانست با کاهش برندهای موجود در بازار، تاثیر منفی بر رقابت بگذارد و باعث افزایش قیمت ها شود زیرا به عنوان یک قاعده ی کلی، آلاینده ترین (پرمصرف ترین) ماشین ها، ارزان ترین آنها نیز هستند. در عین حال، کمیسیون این گونه تشخیص داد که قرارداد مزبور، از لحاظ زیست محیطی، مفید به حال جامعه است زیرا باعث کاهش مصرف انرژی می شود و انعقاد قرارداد مورد بحث، لازمه ی نیل به هدف مزبور می باشد (Case IV.F.1/36.718.CECED).

این امر به این دلیل است که مصرف کنندگان، تمامی آثار خارجی و عوارض جانبی تصمیم گیری های خود در زمینه ی خرید و مصرف را به درستی مورد توجه و محاسبه قرار نمی دهند و بنگاه ها از یک ابزار رقابت در بازار (ارزانی ماشین های پرمصرف) دست بر نمی دارند مگر این که به موجب یک قرارداد، ملزم به این کار شوند. (Motta, 2004: 27-28)

کمیسیون و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در ارزیابی هایی که از قراردادهای زیست محیطی بر اساس بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده انجام می دهند همانند سایر توافقاتی که ممکن است اختلال در رقابت ایجاد کرده باشند، به نوع عمودی یا افقی بودن آنها توجه می کنند و سپس اگر قرارداد را واجد تمامی شرایط بند ۳ همان ماده تشخیص بدهند، معافیت های لازم را در مورد آنها اعمال می کنند.

در وضعیتی که قرارداد منعقد، افقی است - یعنی میان رقابیی که از لحاظ زنجیره‌ی تولید یا توزیع، در یک سطح از بازار هستند - منعقد می‌شود، براساس اصول راهنمای توافقات افقی، سه حالت متصور است. نخست این که قرارداد مورد بحث، مطلقاً قرارداد زیست‌محیطی باشد که مطمئناً از ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده معاف است. دوم آن که قرارداد مورد نظر، قراردادی باشد که علی‌رغم آثار مثبت زیست‌محیطی، حاوی عناصری باشد که به کلی، منجر به محدودیت جدی رقابت در بازار خواهد شد که در این صورت، همواره با ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده مواجه خواهد بود. سوم آن که قرارداد مورد بررسی، از آن دسته از قراردادهایی باشد که محتمل است شامل ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده قرار بگیرند (Commission's Horizontal Guidelines: 2001:26-27).

قرارداد افقی نوع اول خود شامل سه حالت است؛ حالت اول زمانی است که قرارداد مورد نظر، هیچ تعهد فردی متعینی در این زمینه ایجاد نمی‌کند که دغدغه‌ی حقوق رقابت را برانگیزد بلکه طرفین آزاد هستند که بر اساس توانایی‌های فنی و اقتصادی خود و با روشی که خود مصلحت می‌بینند، در زمینه‌ی دستیابی به اهداف زیست‌محیطی مندرج در قرارداد، تلاش نمایند. به عبارت دیگر، هرچه قدر که میزان توانمندی‌های تکنیکی و اقتصادی طرفین بالاتر و روش‌های ایشان، در دستیابی به اهداف زیست‌محیطی مندرج در قرارداد، متنوع‌تر باشد، خطر محدود کردن رقابت نیز کاهش می‌یابد (Kingston, 2009:173). یکی از آراء کمیسیون اتحادیه اروپا نمونه خوبی برای این دسته از قراردادهای است. در این پرونده کمیسیون براین نظر بود که قراردادی که میان تولیدکنندگان اتومبیل کشورهای عضو اتحادیه منعقد شده است تا انتشار گاز دی اکسید کربن از خودروها را کاهش دهد، هیچ تعارضی با حقوق رقابت ندارد (Case: IP/98/865 of 6-10-1998).

حالت دوم به زمانی اختصاص دارد که قرارداد منعقد، ترتیب معینی اتخاذ می‌کند که از آن طریق، عملکرد کالا را به سمت حفظ محیط‌زیست سوق دهد بدون آن که ترتیب معین مزبور، به طور قابل توجهی بر حجم عرضه‌ی کالا به بازار یا تنوع تولید آن در بازار مربوطه، اثر بگذارد. حالت سوم نیز قراردادی است که برای دستیابی به اهداف زیست‌محیطی، رأساً تولید یک کالای مساعد به حال محیط زیست را مقرر می‌دارد و باعث ایجاد یک بازار واقعی مستقل از کالاهای دیگر می‌شود. برای مثال قراردادهای بازیافت، خود باعث شکل‌گیری یک بازار جدید (کالاهای بازیافتی) شده و طبعاً باعث ایجاد محدودیت در رقابت نمی‌شوند. نمونه دیگر این گونه قراردادهای، قراردادهایی است که طرفین، از طریق انعقاد آن‌ها، اقدام به تولید کالایی می‌کنند که از لحاظ زیست‌محیطی، در وضعیت بالاتری قرار دارد به نحوی که هیچیک از طرفین، منابع مالی، فنی و انسانی لازم را در اختیار ندارد که بتواند به تنهایی اقدام به تولید کالای مذکور نماید بلکه این امر، صرفاً از طریق تجمیع منابع طرفین امکان‌پذیر است (Jans & Vedder, 2008:273).

نکته‌ی قابل توجه در این زمینه این است که دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در یکی از آرای خود مقرر داشت که توافقاتی که در کنار پیگیری یک هدف ضروری، نگرانی‌های ضد رقابتی ایجاد می‌کنند لزوماً بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده را نقض نمی‌نمایند (Wilk, : 40). با این که در این رای به اهداف زیست‌محیطی تصریح نشده است اما اهداف مزبور می‌توانند جزء اهداف ضروری مذکور در این رای تلقی شوند.

نوع دوم از توافقات افقی که به طور مطلق مشمول ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده قرار می‌گیرند، قراردادهایی هستند که ظاهر آن‌ها زیست‌محیطی است لیکن به معنای واقعی، اهداف سیاست‌های زیست‌محیطی را دنبال نمی‌کنند و بیشتر، اهداف زیست‌محیطی را به عنوان دستاویز یا ابزاری برای ایجاد یک کارتل و یا حذف رقبای بالقوه و بالفعل منعقدکنندگان این قراردادهای استفاده می‌نمایند (Sadeleer, 2014 :408). از این منظر، تمام قراردادهایی که قیمت‌ها را تثبیت و یا بازار را تقسیم می‌کنند یا حجم عرضه‌ی کالا را به بازار کاهش می‌دهند (محدودیت‌هایی که رقابت را به طور کامل محدود می‌کنند) همیشه با ممنوعیت بند ۱ مواجه هستند اگرچه که به ظاهر از اهداف زیست‌محیطی حمایت کنند.

نهایتاً قراردادهای زیست محیطی که محتمل است شامل ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده قرار گیرند، قراردادهایی هستند که شمول ممنوعیت درباره آنها بستگی به این امر دارد که آیا محدودیت رقابت برای دستیابی به اهداف زیست محیطی، ضروری و غیرقابل اجتناب بوده است و یا خیر. به این ترتیب، چنانچه دستیابی به اهداف زیست محیطی مورد نظر، صرفاً از طریق محدودیت رقابتی مزبور امکان داشته باشد، قرارداد مورد نظر خارج از ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده تلقی می گردد (Kingston, 2009:175).

علاوه بر این، قراردادهای افقی زیست محیطی ممکن است برای کارایی کالا یا فرایند تولید آن، معیارهایی مبتنی بر محیط زیست را وضع کنند. چنانچه این معیارها شرایط ذیل را دارا باشند از ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده خارج خواهند بود: معیارهای زیست محیطی مزبور نباید اجباری بوده و دسترسی به آنها بایستی منصفانه، معقول و بدون تبعیض باشد و طرفین قرارداد متعهد شوند که حقوق معنوی خود را که لازمه دستیابی معیارهای مزبور است در اختیار بگذارند (Johansson, 2011).

این امکان نیز وجود دارد که قراردادی زیست محیطی در قالب توافقی عمودی منعقد شود. توافقات عمودی آن دسته از قراردادهایی هستند که میان تولیدکننده و توزیع کننده که در دو سطح متفاوت از زنجیره تامین بازار قرار دارند، منعقد می شود که برخلاف توافقات افقی، طرفین این قراردادها، رقیب یکدیگر محسوب نمی شوند (Marco Colino, 2010: 1).

بر مبنای اصول راهنمای محدودیت های عمودی، قراردادهای عمودی براساس زمینه های حقوقی و اقتصادی ارزیابی می شوند. کمیسیون نیز در ارزیابی های خود به اثرات مثبت و منفی این گونه قراردادها توأمان توجه می کند و کفه ارزیابی به هر طرف که سنگینی کند، قرارداد را مفید یا ضد رقابتی تلقی می نماید (Kerber & Vezzoso, 2004 : 4-5). سهم بازاری منعقد کنندگان قراردادهای عمودی نیز از اهمیت خاصی در ارزیابی این توافقات، برخوردار است. چنانچه سهم بازاری طرفین، کمتر از ۳۰ درصد باشد، قرارداد عمودی مشمول معافیت های کلی خواهد شد و فراتر از این سهم بازاری، قرارداد را به سمت ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده پیش خواهد برد (Commission Regulation No 330/2010).

در قراردادهای عمودی زیست محیطی، وجود موانع ورود به بازار مساله ای اساسی محسوب می شود. توضیح آن که مقررات زیست محیطی، منافع انحصاری را برای دارندگان اختراعات زیست محیطی در نظر می گیرد و یا کمک های مالی دولتی به صاحبان این گونه اختراعات در این زمینه، ممکن است موانعی را برای رقابت سایر رقبا بوجود آورد. به علاوه از مسائل مرتبط در این زمینه، بلوغ بازار است. درجایی که بستر بازار، برای اختراع کالاهای دوستدار طبیعت فراهم است و علی القاعده هر کدام از رقبای فعال در بازار، با تلاشی متعارف، می توانند به فناوری تولید کالاهای مزبور، دست پیدا کنند، کم تر این احتمال این وجود دارد که قراردادهای مرتبط با این گونه کالاها، حساسیت مقررات رقابت را برانگیزد (Kingston, 2009:178).

از شروطی که به طور بالقوه در یک قرارداد عمودی زیست محیطی، این قابلیت را دارد که رقابت را با محدودیت مواجه کند، توزیع انحصاری است. توزیع انحصاری، وضعیتی است که یک تولید کننده، فقط با اشخاص معدودی، قرارداد توزیع منعقد نموده و صرفاً به ایشان اجازه ی توزیع کالای تولیدی خود را می دهد و دسترسی سایر توزیع کنندگان را به بازار توزیع کالای خود، با مانع مواجه می کند. توزیع انحصاری، با وجود آثار منفی نظیر کاهش رقابت میان توزیع کنندگان و قیمت گذاری تبعیض آمیز و تبانی میان تولید کنندگان و توزیع کنندگان، دارای آثار مثبتی نیز هست (Incardona, 2005:9-10). کمیسیون نیز در یکی از آرای خود ابتدائاً به انحصار در نظر گرفته شده برای توزیع کنندگان کالای خاصی در استفاده از جعبه های قابل بازیافت در قرارداد متعرض شد اما در نهایت قرارداد مزبور را پس از انجام پاره ای اصلاحات مشمول ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده تلقی نمود (Kingston, 2009:179).

نوع دیگری از قراردادهای عمودی، قراردادهایی هستند که حاوی یک سیستم توزیع گزینشی می باشند؛ در این نوع از توزیع، تولید کننده، توزیع کنندگان کالای تولیدی خود را بر اساس معیارهای کیفی خاصی انتخاب می کند (Johansson, 2010:8).

توزیع گزینشی، حتی نسبت به توزیع انحصاری نیز کمتر حساسیت‌های مربوط به بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده را بر می‌انگیزد. بدیهی است این امکان وجود دارد که معیار کیفی در نظر گرفته شده برای گزینش توزیع کنندگان، بر اساس مسائل و اهداف زیست‌محیطی انتخاب شود.

بنابراین با فقدان نص صریح مبنی بر ممنوعیت قرارداد عمودی زیست‌محیطی، چنانچه قراردادی عمودی حاوی اهداف زیست‌محیطی منعقد گردد کمیسیون اروپا ضمن ارزیابی قرارداد ازدیدگاه حقوق رقابت به مسائل زیست‌محیطی مطرح در قرارداد نیز حتما توجه ویژه می‌نماید.

۳. معافیت‌های کلی

بند ۳ ماده ۱۰۱ معاهده‌ی مؤسس اتحادیه اروپا حاوی چهار شرط است که در صورت جمع بودن همه این شرایط، قرارداد از شمول ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده به طور کلی معاف خواهد شد هر چند قرارداد مزبور، در ظاهر محدودکننده‌ی رقابت بوده و در بادی امر، مخالف بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده باشد. این شرایط عبارتند از این که اولاً قرارداد در بهبود تولید یا توزیع کالاها یا ارتقای رشد فنی یا اقتصادی، موثر باشد یعنی موجب افزایش کارایی شود؛ ثانیاً سهم عادلانه‌ای از این کارایی عاید مصرف کنندگان گردد؛ ثالثاً قرارداد، حاوی محدودیتی نباشد که برای به دست آوردن کارایی و ارتقاء فنی-اقتصادی مزبور، ضروری نیست و بالاخره رابعاً قرارداد مذکور، موجب از بین رفتن رقابت در بخش قابل توجهی از بازار کالای مورد نظر نشود.

در بسیاری از آرای قضایی، این استدلال درباره شرط نخست مورد پذیرش واقع شد که حفظ محیط‌زیست، بخشی از بهبود تولید و ارتقای رشد فناوری یا اقتصادی است. یکی از پرونده‌های کمیسیون، حاوی قراردادی بود که توسط عرضه کنندگان بزرگ سوخت منعقد شده بود، با این هدف که تحقیق و توسعه‌ای در ارتباط با تبخیر زغال سنگ صورت بگیرد. کمیسیون با این که می‌دانست قرارداد مورد نظر، حاوی شروطی است که باید مشمول ممنوعیت بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده قرار بگیرد ولی با این استدلال که استفاده از گاز در پروسه تبدیل در نیروگاه نسبت به استفاده از زغال سنگ، کارآمدتر و کمتر آسیب‌زننده است، قرارداد مذکور از ممنوعیت معاف کرد. بنابراین کمیسیون یک مساله زیست‌محیطی در قرارداد را به عنوان ارتقای فنی محسوب نمود (Lidgard, 1999:28).

دومین شرط، اختصاص سهم عادلانه‌ای از این کارایی به مصرف کنندگان است. بیشترین نگرانی تولید کنندگان محصولات دوستدار طبیعت، پرهزینه بودن تولید آنها است که باعث می‌گردد تا کالا نیز با قیمت بالایی به بازار عرضه شود در حالی که یکی از اهداف حقوق رقابت، جلوگیری از افزایش گراف قیمت است. با این وجود، اثرات مثبت زیست‌محیطی چنین محصولاتی می‌تواند اثرات منفی نظیر افزایش قیمت را پوشش دهد. در یکی از پرونده‌های قضایی اتحادیه اروپا که حاوی قرارداد مشارکت مبنی بر جلوگیری از انتقال اتیلن بین دو تولیدکننده پلی اتیلن بود که خود باعث جلوگیری از خطرات زیست‌محیطی و سلامتی می‌شد، کمیسیون نهایتاً با همین گونه ملاحظات، قرارداد مشارکت مزبور را از ممنوعیت مقررات رقابت معاف کرد (Rosenboom, 2013:19).

در حقیقت، بر اساس شرط دوم، قرارداد باید برای مصرف کنندگان منفعت داشته باشد و به نظر می‌رسد که اگر قراردادی توانسته باشد که منافع مهم زیست‌محیطی را برای مصرف کنندگان ایجاد کند باید منافع مزبور را همان سهم عادلانه‌ای دانست که از طریق این قرارداد عاید مصرف کنندگان شده است (Townley, 2011:445).

سومین شرط از شرایط بند ۳ ماده ۱۰۱ معاهده شرطی سلبی است؛ یعنی این که قرارداد نباید مشتمل بر محدودیت‌هایی باشد که برای به دستیابی به اهداف مثبت قرارداد ضروری نیست. از این منظر، کمیسیون بر این مطلب تاکید دارد که وجود یک محدودیت رقابتی در یک قرارداد زیست‌محیطی باید برای اهداف زیست‌محیطی ضروری باشد تا بتواند قرارداد مزبور را از این معافیت برخوردار نماید. از این لحاظ، قراردادهای زیست‌محیطی که حاوی تخفیف‌های دسته جمعی یا تثبیت قیمت باشند همیشه با نگاه

منفی کمیسیون روبرو بوده‌اند، زیرا معمولاً چنین محدودیت‌هایی برای حمایت از اهداف زیست‌محیطی وضع نمی‌شوند و بین این محدودیت‌ها، و حفاظت از محیط‌زیست، هیچ ارتباطی وجود ندارد (Sadeleer, 2014: 414).

باید خاطر نشان کرد که اثبات شرط سوم برای قراردادهای زیست‌محیطی، از مشکل‌ترین مسائلی است که قراردادهایی از این دست با آن روبرو هستند. شاید در بادی امر به نظر برسد در مواردی که قرارداد حاوی تعهدی زیست‌محیطی است بایستی قرارداد مزبور را واجد شرایط لازم برای حمایت حقوق رقابت دانست؛ مساله‌ای که کمیسیون به سهولت آن را نمی‌پذیرد و در هر پرونده‌ای آن را به طور جداگانه بررسی خواهد کرد. در واقع کمیسیون لزوماً وجود موضوع زیست‌محیطی را هدف قرارداد برنمی‌شمرد تا بر مبنای آن از محدودیتی ضد رقابتی که ممکن است برای اهداف زیست‌محیطی ضروری نباشد، چشم پوشی نماید (Lidgard, 1999: 35).

نهایتاً شرط چهارم بیان می‌کند که قرارداد نباید به طور قابل توجهی رقابت را حذف کند که شرط مزبور در راستای هدف نهایی حقوق رقابت قرار دارد که همان حمایت از جریان رقابت در بازار است. بر اساس اصول راهنمای اعمال معافیت‌های کلی بند ۳ ماده ۱۰۱ معاهده، در ارزیابی قراردادی که احتمال می‌رود به دنبال حذف رقابت است، باید عواملی نظیر وجود سایر منابع رقابت در بازار، سطح تعهدی که بر طرفین قرارداد تحمیل شده، تاثیر قرارداد بر رقابت و قدرت بازاری طرفین قرارداد توجه نمود.

به طور خاص در قراردادهای زیست‌محیطی، کمیسیون معتقد است که قرارداد باید صرف نظر از اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی که دنبال می‌کند در خصوص تاثیری که بر حذف رقابت در بازار می‌گذارد نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. به علاوه باید خاطر نشان کرد که تصور موقعیتی که در آن دستیابی به اهداف زیست‌محیطی صرفاً از طریق حذف کامل رقابت ممکن باشد بسیار دشوار است. برای مثال حذف کامل رقابت در تولید اختراعی جدید و ممانعت مطلق از دسترسی سایرین به اختراع زیست‌محیطی مزبور، این خطر را به دنبال دارد که از طریق جلوگیری از شیوع فناوری پاک، در نهایت باعث به مخاطره افتادن محیط‌زیست در بلندمدت شود. (Kingston, 2009: 200).

باتوجه به مجموع آنچه ذکر شد همچنان که ملاحظه می‌شود حمایت از محیط زیست برای حقوق اتحادیه اروپا در درجه‌ای از اهمیت قرارداد دارد که تحت شرایط خاصی باعث صرف نظر کردن از برخی از ممنوعیت‌های عام حقوق رقابت گردیده و مقررات اتحادیه، تلاش نموده که در موازنه بین حقوق رقابت و محیط‌زیست حتی‌الامکان به سمت حفاظت از اهداف زیست‌محیطی حرکت نماید.

۴. نتیجه

بدون شک امروزه اهمیت مسایل زیست‌محیطی بر کسی پوشیده نیست و حتی عموم جامعه نیز بر خطرات تغییرات آب و هوایی، افزایش آلاینده‌ها، انقراض انواع گونه‌های گیاهی و جانوری، به مخاطره افتادن حیات وحش و ... واقف‌اند. اهمیت چنین مسائلی برای مقامات رقابتی نیز پوشیده نبوده است، به همین دلیل است که در ایجاد و تدوین معاهده‌ی مؤسس اتحادیه اروپا در کنار سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به سیاست‌های همگام با محیط زیست توجه شایانی شده است.

اگرچه انعقاد قراردادی که دوستدار طبیعت است ممکن است منفعتی رقابتی، مادی و اقتصادی متعلق به بشر را موقتاً به مخاطره بیندازد لیکن تاثیری که چنین قرارداد مفیدی در وهله اول برای بشریت و سپس محیط طبیعی که او در آن زندگی می‌کند به جای خواهد گذاشت، ارزشمندتر از آنی است که بخواهد در برابر منافع رقابتی نادیده گرفته شود.

در واقع به نظر مقامات ناظر بر رقابت در اتحادیه اروپا نیز استفاده از سیاست‌های حقوق رقابت ابزار مناسبی برای ارتقا و حفظ محیط‌زیست محسوب می‌شود. ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان محصولات دوستدار طبیعت، برخورد منعطف با افزایش قیمت‌های محصولات مزبور (با توجه به پرهزینه بودن تولید آنها)، در نظر گرفتن کمک‌های دولتی از تولیدکنندگان آنها،

سهولت بخشی بیشتر به دعاوی مسوولیت مدنی علیه آلوده کنندگان محیط زیست و رفع اطاله دادرسی از آنها می تواند کمک قابل توجهی به حمایت از محیط زیست در کنار مسایل رقابتی بکند.

برقراری تعادل و ایجاد تعاملی سازنده میان منافع که حقوق رقابت به دنبال آن است و اهدافی که سیاست های زیست محیطی دنبال می کنند باید به ترتیبی باشد که همزمان در یک قرارداد به همگی آنها توجه کافی شود به طوری که تا جایی که امکان دارد مانع از این شود که مصلحتی قربانی منفعتی دیگر گردد.

برخلاف حقوق رقابت اتحادیه اروپا که صراحتاً از طریق وضع مقررات، آیین نامه ها و اصول راهنما تلاش نموده است جایگاه ویژه ای برای سیاست های زیست محیطی در فضای حقوق رقابت ایجاد نماید در مقررات حقوق رقابت ایران با فقدان چنین تدابیری مواجه هستیم. در حقیقت، اگرچه بند ۳ ماده ۱۰۱ معاهده ی مؤسس اتحادیه اروپا با بیان شرایطی، تلاش نموده که برخی قراردادها از جمله قراردادهای زیست محیطی را از ذره بین سختگیرانه حقوق رقابت رها نماید، ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (از این پس، ق.ا.س.ا. ۴۴) هیچ استثنایی برای ممنوعیت قراردادهای محدود کننده رقابت ذکر ننموده و به همین لحاظ در وضعیت فعلی حقوق ایران نمی توان قراردادهای زیست محیطی را علی رغم آثار مثبتی که دارند، معاف از کنترل های جدی حقوق رقابت دانست.

این در حالی است که نگاه یک سویه به سیاست های اجتماعی نمی تواند جامعه را در وضعیت مطلوب قرار داده و همواره پیدا کردن یک نقطه تعادل و توازن بین سیاست های مختلف از جمله سیاست رقابت و سیاست های زیست محیطی، هنر قانونگذاران در نظام های حقوقی توسعه یافته محسوب می شود. در وضعیت فعلی حقوق کشورمان، یک قرارداد زیست محیطی که برای نیل به اهداف دوستدار طبیعت ناچار به درج برخی محدودیت های مذکور در ماده ۴۴ ق.ا.س.ا. باشد باز هم محل رقابت تلقی شده و با ضمانت اجراها و عقوبت های قانونی مواجه خواهد شد.

ممکن است در پاسخ به این نقد گفته شود که بند ۱ ماده ۵۸ ق.ا.س.ا. ۴۴ بیان داشته که تشخیص مصادیق معافیت های موضوع این قانون با شورای رقابت است و لذا شورای رقابت می تواند در رویه عملی خود با در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی قراردادهای مفید به حال طبیعت را از مقررات سختگیرانه حقوق رقابت معاف نماید. در پاسخ توجه به دو نکته ضروری به نظر می رسد: اولاً همچنان که منطوق بند ۱ ماده ۵۸ ق.ا.س.ا. ۴۴ دلالت دارد اختیار شورای رقابت صرفاً تشخیص مصادیق معافیت ها است و نه وضع مقررات معاف کننده که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، جزء شئون انحصاری قوه مقننه و غیر قابل تفویض می باشد. بنابراین ضرورت دارد که خود قانونگذار با اصلاح ق.ا.س.ا. ۴۴ معافیت های صریحی که دربرگیرنده اهداف زیست محیطی نیز باشند وضع نماید و آنگاه براساس معیارهای مزبور شورای رقابت در مقام رسیدگی اقدام به کشف مصادیق کند.

در ثانی صرف نظر از نکته نخست، تا آنجا که بررسی گردید تا به حال هیچ دستورالعمل و یا آیین نامه ای از طرف شورای رقابت نیز که دربرگیرنده معافیت هایی مرتبط با اهداف زیست محیطی باشد تنظیم و صادر نگردیده است. درحالی که کمیسیون اروپا براساس اختیارات مکتسب از متن معاهده ی مؤسس اتحادیه اروپا دستورالعمل های تفصیلی جهت شفاف سازی جایگاه اهداف زیست محیطی در حقوق رقابت وضع نموده که آثار بسیار تعیین کننده ای دربرداشته است.

مراجع

الف) فارسی

۱. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲. معبودی نیشابوری، ر. (۱۳۹۲). قراردادهای تبعیض آمیز محل رقابت مطالعه تطبیقی در حقوق ایران. ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا. دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، سال ۲۰. شماره ۳.

ب) انگلیسی

3. Case: IP/98/865 of 6-10- 1998.
4. Commission Regulation (EU) No 330/2010 on the application of Article 101(3) of the Treaty on the Functioning of the European Union to categories of vertical agreements and concerted practices.
5. Commission Notice, Guidelines on Vertical Restraints, Official Journal C130, 19.05.2010.
6. Commission Notice. (2001/C 3/02). Guidelines on the applicability of Article 81 of the EC Treaty to horizontal co-operation agreements.
7. Commission Decision of 24 January 1999 relating to a proceeding under Article 81 of the EC Treaty and Article 53 of the EEA Agreement (Case IV.F.1/36.718.CECED), OJ L187/47, 26 July 2000.
8. Jans, J.H and Vedder, H.H.B. (2008). European Environmental Law. Amsterdam: Europa Law Publishing.
9. Johansson, E. (2010), Selective Distribution Systems in Practice (Consequences of and justifications for selective distribution together with effects of the new Block Exemption Regulation), Bachelor's thesis within business law, Jönköping University.
10. Johansson, E. (2011). Assessment of Standardization Agreements under the Revised Guidelines on Horizontal Co-Operation Agreements. Columbia Journal of European Law. Available at www.cjel.net/online/18_1-johansson. (Last visited: 7/4/2015).
11. Incardona, R. (2005), Distribution Agreements under EC Competition Law. Working Paper: 2ND Mises Seminar Available at: www.ssrn.com. (Last visited: 7/4/2015).
12. Kerber, W and Vezzoso, S. (2004), EU Competition Policy, Vertical Restraints, and Innovation: An Analysis from an Evolutionary Perspective, Paper prepared for the 10th International Joseph A. Schumpeter Society Conference (ISS).
13. Kingston, S.E.J. (2009). The Role of Environmental Protection in EC Competition Law and Policy. Thesis: University of Leiden.
14. Lidgard, H.H. (1999). Environmental Protection and EC Competition Law. Master thesis, University of Lund.
15. Marco, C.S. (2010), Vertical Agreements and Competition Law A Comparative Study of the EU and US Regimes, Hart Publishing.
16. Monti, G. (2007). EC Competition Law. UK: Cambridge University Press.
17. Motta, M. (2004). Competition policy, theory & practice. UK: Cambridge University Press.
18. O'Gorman, R. (2005). Greening Competition Law: Developments in the Assessment of "Environmental Benefits" in Analysis under Article 81(3) EC, Irish Student Law Review, Vol. 13.
19. Rose, I. (2000). Producer Responsibility and E.C. Competition Law, Bus. L. Int'l.

20. Rosenboom, N.S.R. (2013).How does article 101(3) TFEU case law relate to EC guidelines and the welfare perspective? Working paper, SEO Economic Research. Available at www.seo.nl. (Last visited: 7/4/2015).
21. Sadeleer, N. (2014). EU Environmental Law and the Internal Market.UK: Oxford University Press.
22. The Treaty on the Functioning Of the European Union. (26.10.2010).Official Journal of the European Union.
23. Townley,C.(2011).Which goals count in article 101 TFEU? Public policy and its discontents.European Competition Law Review. Issue 9,441-448.
24. Wilk, B.S. The Application of Environmental Policies to Competition Law. Master`thesis of LL.M Law and Economics: The Europa Institute Utrecht. Available at: <http://renforce.rebo.uu.nl/wp-content/uploads/2013/12/BartlomiejWilk-law-and-sustainability-research-paper.pdf>. (Last visited: 7/4/2015).